

(بررسی معنا مفهوم نماز و اهمیت وجوه آن از منظر آیات و روایات)

محمد حسین پسندیده^۱

رضا اسماعیلی^۲

حسین کاظمی^۳

چکیده

این پژوهش به بحث و بررسی پیرامون معنا و مفهوم نماز می پردازد. آنان که خواص دریای معرفت و پیرو معصومین است اگرچه زاویه‌هایی از نماز را مشاهده کرده‌اند لیکن چون شهودشان شخصی است نتوانستند آن را برای تشنگان بر ساحل نشسته بیان کنند زیرا که معرفت به نماز، چشیدنی است نه گفتنی، گرچه گفتن و بیان نیز ممکن است راز و رمزهای آن را به ما نمایانده و جانهای خشکیده ما را به زلال آن آب زندگانی و طراوت بخش روشن کند، لذا در این مقاله به دنبال آنیم که در ابتدا مفهوم نماز را در لغت و اصطلاح که به معنی مختلفی چون اطاعت، پرسش، تعظیم و بزرگداشت و سپس حقیقت آن یعنی بپاداشتن و اقامه این فریضه شریف را بیان نماییم. روش کار به صورت کتابخانه‌ای بوده که بر این مبنا از اسناد و مدارک دینی بهره برده و به نقل و توصیف موارد مذکور پرداخته ایم و سعی نموده ایم در حد توان از منابع دست اول روایی بهره گیری نماییم و در پایان می توان گفت، نمازی که از ما مکلفین خواسته شده، اقامه تمامی جوانب آن می باشد.

واژه های کلیدی : نماز، مفهوم نماز، اقامه و بپاداشتن، اهمیت نماز

تعاریف و مفاهیم بحث

^۱ . کارشناس ارشد رشته مدیریت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان(اصفهان)،عضو باشگاه پژوهشگران جوان

^۲ . عضو هیئت علمی گروه مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی و معاون فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

^۳ . مدیر دفتر مطالعات میان فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

نماز در قرآن بیش از هر عبادتی تکرار شده و هیچ عبادتی در قرآن به اندازه نماز، ذکر آن به میان نیامده به طوریکه بیش از ۱۰۲ مرتبه نماز واحکام و آثار گوناگون آن مطرح شده لذا برای آشنایی با مفهوم آن به معرفی این فریضه پرداخته ایم.

- ریشه واژه نماز

ریشه واژه نماز در فارسی از لفظ پهلوی «نماک» گرفته شده و آن هم به نوبه خود از ریشه باستانی «نم»؛ به معنی «خم شدن و تعظیم کردن» مأخوذ است که به تدریج بر معنی «صلاة» یعنی عبادت ویژه مامسلمانان اطلاق گردیده است. (۱) بر اساس بعضی از کتب تاریخی، برخی از ایرانیان تازه مسلمان در سالهای حکومت اعراب برای ایرانیان به جای کلمه «صلاة» از کلمه «نماک» استفاده می کرده اند. و هنگام فراخواندن مردم به سوی نماز به جای «الصلوة» کلمه «النماک» و به جای «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» جمله «بشتابید به سوی نماک» را به کار می برده اند. (۲).

- معانی نماز

معنی اول: خدمت و خدمتکاری، اطاعت و فرمانبرداری (۳)، سرفروآوری و تعظیم (۴) سر به زمین نهادن، کرنش و تکریم (۵) اظهار طاعت و بندگی (۶) لذا واژه های «نماز بردن»، «در نماز آمدن»، «به نماز آمدن» و «نماز آوردن» به معنای پرستش کردن، عاجزی نمودن، خم شدن به علامت تعظیم و بندگی و به خاک افتادن به قصد تعظیم در برابر پادشاهی یا بزرگی دیگر به کاررفته است (۷) معنی دوم: کلمه «نماز»؛ به معنی «پرستش و ادای طاعت ایزد تعالی (۸)» و «عرض نیاز به سوی خدای عالمیان است به طریقی که در شریعت پیغمبران وارد شده است (۹)» که در این معنی، معادل کلمه «صلوة» می باشد (۱۰) به همین منظور در ادبیات پارسی، «نماز نیمروز»، «نماز پیشین»، «نماز میانین»، «نماز ظهر»، «نماز دگر»، «نماز دیگر»، «نماز پسین»، به معنای «نماز عصر» و «نماز خفتن» به معنای «نماز عشاء» و «نماز بام» «نماز بامداد»، «دوگانه» به جای «نماز صبح» به کار رفته است. لازم به ذکر است که مردم فارسی زبان، واژه «نماز بستن» را به جای «تکبیرة الاحرام گفتن» به کار می بردند. (۱۱) معنی سوم: از آنجا که شرط نماز، طهارت است و کلمه نماز، مفهوم طهارت و پاکیزگی را تداعی می کند، کلمه «نمازی» که منسوب به نماز و به معنای «دوستدار نماز» است، به معنی «پاک و طاهر»

نیز به کار رفته است و «نمازی شدن» که مصدر مرکب است، به معنای «پاک و طاهر شدن و شسته شدن و غسل داده و پاکیزه شدن» به کار رفته است. همچنین «نمازی کردن» به معنی «پاک کردن، شستن، آب کشیدن، و غسل دادن» و «نماز کن» به معنای «شستشوکننده» استعمال می شده است (۱۲).

– ریشه کلمه «صلوة»

در اصل کلمه صلوة بین علمای لغت و تفسیر اختلاف است بعضی گفته اند: صلوة از ریشه عبری است و در زبان عبرانیان «صلوتا» کنیه یهودیان است. برخی، صلوة را از لفظ عبری «صلوة» مشتق می گیرند و در منابع سریانی الفاظی مشابه و معادل با «اقامه صلوة» به چشم می خورد (۱۳) چنانچه در قرآن کریم «صلوات» به صیغه جمع؛ به معنی «معابد» به کار رفته است: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَادِمَتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» «اگر خداوند، برخی از مردم را بوسیله برخی دیگر، دفع نمی کرد، صومعه های راهبان، کلیساهای نصارا و کنیسه های یهود و مساجدی که در آنها نام خدا بسیار زیاد می شود، ویران می شد (۱۴).

برخی از متأخرین، ریشه آن را آرا می پنداشته اند و با تحقیقاتی که اخیراً به عمل آمده، این احتمال قوت گرفته است که اصل «صلوة» سریانی باشد و از آن زبان، نخست در زبان جنوب عربستان، معمول گردیده است و شعرا، آنرا در اشعار به کار برده اند و پس از آن اعراب شمالی، لفظ «صلوة» را از عربهای جنوبی گرفته اند. در هر حال، پیش از اسلام این لفظ، به معنای «پرستشگاه» و «نیایش» به کار رفته است (۱۵).

– معانی صلوة

در اشتقاق معنوی نام «صلوة» در میان اهل لغت اختلاف نظر وجود دارد: معنای اول: گفته شده صلوة از دعا مشتق شده است (۱۶) و به معنای تبریک و تمجید می باشد و گفته شده نماز را به خاطر دعاهایی که در آن وجود دارد «صلوة» نامیده اند. (۱۷) «وَالصَّلَاةُ الَّتِي هِيَ الْعِبَادَةُ الْمَخْصُوصَةُ أَصْلُهَا الدُّعَاءُ وَسُمِّيَتْ هَذِهِ الْعِبَادَةُ بِهَا كَتَسْمِيَةِ الشَّيْءِ بِاسْمِ بَعْضٍ مَا يَتَضَمَّنُهُ» (۱۸).

معنای دوم: گفته شده که این کلمه از «صلی» که از «صَلَّيْتُ الْعُودَ عَلَى النَّارِ» به معنای «چوب یا عصا را به کمک آتش، نرم و راست کرد» (۱۹) گرفته شده (۲۰) و چون مشتمل بر «کمک خواهی» از خداست به این نام

نامیده اند چرا که انسان با استعانت از خداوند و نماز نرم و انعطاف پذیر می گردد. (۲۱) معنای سوم: امکان دارد که صلوة از «مصلی» «وصله» که به معنای پیوستن است گرفته شده است. (۲۲) زیرا در نماز انسان چه از لحاظ روحی و جسمی به خدا می پیوندد و پل ارتباطی بین خدا و بنده است. معنای چهارم: در برخی از کتب لغت «صلوة» به معنی بزرگداشت و تعظیم نیز آمده است چنانچه لفظ «نم» در کلمه نماز به همین معنی است (۲۳).

معنای پنجم: در جایی نیز صلوة به معنای «زیارت» آمده است. چنانچه از امیر المومنین (ع) در تفسیر «قد قامت الصلوة» آمده است که حضرت فرمود: «یعنی وقت زیارت و دیدار رسید» (۲۴) معانی ششم: صلوة به معنای رحمت می باشد (۲۵) چنانچه خداوند در سوره احزاب می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» همانا خداوند و فرشتگان او بر پیامبر درود می فرستند ای اهل ایمان شما نیز بر او درود فرستید. (۲۶) معنای هفتم: و در جایی صلوة را اوج گرفتن عقل به سوی خدا به حدی که برای او سجده کرده و شکرگزار او باشیم (۲۷) معنی شده است.

- مفهوم اقامه به عنوان حقیقت نماز

آنچه به دنبال یک بررسی حقیقت جویانه در همه آیاتی که به موضوع نماز اختصاص دارد بیش از همه نظر خواننده کنجکاو را به خود معطوف داشته و او را به اندیشه و او را می دارد این است که در اکثر مواضع، هر جا سخنی از نماز رفته، امر به اقامه و گزاردن آن شده جز یکی دو مورد که موضوع شخصی بوده و مستقیماً به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مربوط می شده (۲۸) و نه تنها صلاه به تنهایی در قرآن مورد ستایش نیست، بلکه حتی از «مصلین» در برابر «اقامه کنندگان نماز» نکوهش شده است. آنجا که می فرماید: «فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» پس وای بر آن نمازگزاران که دل از یاد خدا غافل دارند. (۲۹) و در جای دیگر در مورد اعراب جاهلی فرموده است: «وما كان صلاتُهُمْ عندَ البیتِ اِلَّا مَكاءً وَتَصَدِيَةً فذوقوا العذابَ بما كُنتُمْ تَكْفُرُونَ» و نماز آنها در خانه کعبه جز صغیر و کف زدنی (که خلق خدا را از خانه او منع کنند) چیز دیگری نیست پس بچشید طعم عذاب (خدا) را به کیفر آنکه کافر شدید. (۳۰) در حقیقت هر کجا لفظ «صلوة» هست به دنبال آن کلماتی از جنس اقامه همچون «أقم» و «أقیموا» و دیگر مشتقات آن همراه نماز می باشد و اگر نبود به دنبال آن، دوام و محافظت (۳۱) بر نماز مورد تاکید قرار گرفته است. (۳۲) حال برای آنکه معنا

و مفهوم «اقامه» را بررسی نماییم ابتدا آنرا به صورت لغوی و سپس در اصطلاح فقها، محدثین، مفسرین و بزرگان بررسی کرده تا معلوم شود چرا همه ما مکلف به «اقامه نماز» هستیم نه به «قرائت آن».

– معنای «اقامه» در لغت و اصطلاح

اقامه از ماده قیام به معنا و مفهوم دوام بخشیدن و ادای حق هر چیز به تمام و کمال است و مقصود از اقامه برای نماز، فراخواندن به آن می باشد و گفته شده اقامه نماز یعنی تسویه و برابری صف های جماعت و تتمیم و تکمیل آنها. (۳۳) و اقامه را به معنای بر پا داشتن هر برنامه ای و تعطیل نکردن آن دانسته اند به عنوان مثال هنگامی که گفته می شود «اقام القوم سَوْفَهُمْ» یعنی «مردم بازار خود را بر پا کردند و به خرید و فروش پرداخته و آنرا موقوف و تعطیل نکردند.» و مراد از آنرا «حق نماز را ادا کردن» یعنی اقامه نمازها و ادای فرایض دانسته اند به عنوان نمونه درباره کسی که جیره غذایی سربازان را که گفته می شود «فَلانٌ یقیم ارزاقُ الجُند» یعنی او جیره سپاهیان (حق آنها) را می دهد.» و در نظر دیگر منظور از آن را قیام نماز می دانند و چون قیام در نماز، نخستین رکن از ارکان نماز و کاری مداوم و ادامه دار است، در میان سایر اعمال نماز، توجه بیشتری به آن شده است. (۳۴) در جای دیگر، «اقامه نماز»، راست گردانیدن، محکم و استوار کردن و مراقبت بر آن معنا شده است. (۳۵) و دیگر آنکه، «اقامه نماز» از ماده قیومیت دادن گرفته شده و معنی آن قیومیت دادن محتوای نماز بر همه زندگی، کارها، اندیشه، عمل و حرکت مسلمانان می باشد، قیومیت بخشیدن به نماز بر همه زندگی، حفاظت حقیقت و محتوای آن در همه حالات و دوام بخشیدن به آن در همه کارها و برنامه هاست. (۳۶) در کتب دیگر «یقیمون الصلوة» را «با تمام رکوعها و سجودها و حفظ مواقیتها و حدودها و صیانتها» ممایفسدها و یبنقصها (۳۷) تعبیر کرده اند تا این نکته را برسانند که «أن المقصود من فعلها توفیه حقوقها و شرائطها لا الاتیانُ بهیئتها» (۳۸) می باشد. مقام معظم رهبری فرموده اند: به نظر می رسد که اقامه نماز، چیزی فراتر از گزاردن نماز است، یعنی فقط همین نیست که کسی خود به عمل نماز قیام کند بلکه این نیز هست که در جهت و سمت نماز [باید] به جهت و سمتی که نماز به آن فرا می خواند به راه افتد و دیگران را نیز به راه اندازد.

گویا بر پا داشتن نماز آن است که انسان با کوششی بایسته، جو و فضای زندگی خود و دیگران را جوی نماز گزارانه یعنی خدا جویانه و خدا پرستانه سازد و همه را در خط و جهت نماز به راه افکنند (۳۹) استاد شهید مرتضی مطهری نیز در این باره سخن رانده و فرموده اند: «به پا داشتن نماز آن است که حق نماز ادا شود یعنی نماز به صورت یک پیکر بی روح انجام نگیرد بلکه نمازی باشد که واقعاً بنده را متوجه خالق و آفریننده خویش سازد (۴۰)» نماز گزارند، گویی که در «الله» می نگرند و باوی راز و نیاز می کنند تصدیقاً لقلوله - علیه السلام - «أعبد الله کانک تراه فان لم تکن تراه فأنه یراک (۴۱)» ... و لفظ اقامه را از آن جهت باز گرفت تا تنبیهی باشد مؤمنان را که ثواب در معنی اقامت است نه در مجرد صورت نماز، بزرگان دین از آنجا گفته اند که نماز گزار فراوانند اما مقیمان نماز اندک ... و معنی اقامه در نماز، روی دل خویش فراحق کردن و همگی خویش در نماز دادن و شرط راز داری به جای آوردن و از اندیشه ها و فکرتها برآسودن است (۴۲) در واقع می توان در یک جمع بندی کلی گفت: اقامه نماز به معنای حقیقی کلمه، تحقق بخشیدن به موارد زیر است:

۱- رعایت آنچه در جسم و باطن نماز معتبر است (مانند دقت در تحصیل طهارت، شادابی و صحت وضو، پاکی بدن و لباس و مکان نماز و پاکی از آلودگی های زشت اخلاقی بوسیله توبه و پشیمانی، چرا که وضو و نظافت ظاهری باید همراه با صفا و طهارت قلبی و باطنی باشد).

۲- رعایت آداب نماز (مانند دقت در انجام واجبات و مستحبات نماز و ارائه صحیح اذکار آن به عنوان ساختار ارکان نماز).

۳- اهتمام به نماز خواندن در مساجد و مشاهد شریفه و اماکن مقدس.

۴- اهتمام به نماز جماعت.

۵- دعوت اعضای خانواده به نماز.

۶- دعوت دیگران به برپایی نماز (۴۳). اقامه نماز اشاره به این است که نه تنها خودشان (مقیمین) نماز میخوانند بلکه کاری می کنند که رابطه محکم با پروردگار همچنان و در همه جا بر پا باشد (۴۴).

۷- اهتمام به بقیه شرایط کمال نماز و مواظبت بر روح و حقیقت نماز (۴۵). در واقع جان و روح نماز، همانا روی کردن و توجه کامل به سوی خدا، با اخلاص کامل، روی دل را واقعاً به سوی او داشتن و خود را در پیشگاه با عظمت او دیدن و با اوس سخن گفتن و از او خواستن و اظهار فقر و نیاز در برابر ذات اقدس غنی و بی نیاز او نمودن و در مقابل جلال و کبریائیش، در درون خویش احساس خوف و خشیت کردن و در نتیجه با خضوع و خشوع بودن و خود را از هر چه جز اوست فارغ داشتن و از هر چه که جز اوست روی گرداندن

و به التفات نمودن و امید به اوداشتن و از هر چه جزا و امید را بریدن و ترس از مقام او، از چیزها و مقامهای دیگر، هر چه و هر مقامی باشد، نه‌راسیدن و در تمام این احوال او را شاهد و حاضر و ناظر دانستن می‌باشد (۴۶) و معنای باطنی نماز هفت چیز است که عبارتند از:

۱- خلاص به معنی قصد قربت و خالی بودن از ریا، ۲- حضور قلب یعنی فارغ بودن دل از غیر آنچه به آن مشغول است که خشوع دل را به همراه دارد، ۳- تفهم و این غیر از حضور قلب است زیرا ممکن است کسی حضور قلب داشته باشد ولی نداند الفاظی که به زبان می‌راند به چه معناست، ۴- تعظیم خدای تعالی ۵- هیبت و آن ترسی است که بر اثر اندیشه بر عظمت خداوند پدید آید، ۶- رجا، امید داشتن به احسان و لطف خداوندی که از هیبت او ترس به دل دارد، ۷- حیا و آن آگاهی بنده از تقصیر و یادآوری گناهان و شرم و حیا داشتن از خداوند می‌باشد (۴۷).

آنچه گفته شد به نیکی این مطلب را می‌رساند که نه تنها هدف غایی در تشریح نماز، هرگز، زمزمه کردن اذکار و اورادی خاص - بی توجه به معنای آنها - زیر لب و یا انجام حرکات و تشریفات چند نبوده بلکه دریافت محتوای بس عمیق این اذکار و اوراد از یک سو و گسترش مفاهیم آن در سطوح زندگی از سوی دیگر بیش از همه، تشریح این حکم را ایجاب می‌نموده است (۴۸) و اقامه نماز، سوای از پذیرش و انجام آن، به عنوان فرمان الهی، در حقیقت کوششی است در راه احیاء و ابقاء فریضه نماز در میان مردم و تلاشی جاودانه در جهت شکل دادن روح و فلسفه نماز در زندگی فردی و اجتماعی و زنده نگهداشتن فرهنگ مترقی آن در همه شئون زندگی است. (۴۹) لذا نماز با این وصف است که می‌تواند برای نمازگزار مفید و دارای آثاری بزرگ و نتایجی پی در پی باشد و انسانی به تمام معنا انسان بسازد.

وجوه اهمیت نماز

۱- جنگ و جهاد برای احیای نماز

امیر المومنین - علیه السلام - درباره نماز و اهمیت آن فرمایشی دارند که فلسفه و جوب و ارزش و اهمیت آنرا به خوبی روشن می‌سازد، در این فرموده، حضرت نماز را در رأس همه مسایل قرار داده و حتی جنگ و جهاد در میادین نبرد با دشمن را برای احیای این فریضه ارزشمند معرفی می‌نماید. این روایت شگفت‌انگیز این است که: « لَمَّا كَانَ عَلِيٌّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَوْمًا فِي حَرْبٍ صِفَيْنِ مُشْتَعِلًا بِالْحَرْبِ وَالْقِتَالِ وَهُوَ مَعَ ذَلِكَ بَيْنَ الصَّفَيْنِ يِرَاقِبُ الشَّمْسَ (50) ..» هنگامیکه علی (ع) در جنگ صفین سرگرم نبرد بود.

درمیان هر دو صف کارزار مواظب وضع آفتاب بود. ابن عباس که شاهد قضیه بود عرض کرد: «یا امیر المومنین! این چه کاری است که می کنی؟ چرا به آفتاب می نگری؟» حضرت فرمودند: «منتظر زوال آفتاب هستم و می خواهم بینم که اگر وقت نماز فرا رسیده نماز بخوانیم!» ابن عباس عرض کرد: «آقا آیا الان وقت نماز است با اینکه ما سرگرم جنگیم!» (51) حضرت فرمود: «عَلَى مَأْتَاتِلَهُمْ ، أَمَّا نُقَاتِلُهُمْ عَلَى الصَّلَاةِ (52) چرا ما با اینها می جنگیم؟ آنگاه امام - علیه السلام - فرمود: «ما تنها به خاطر نماز با آنها می جنگیم و نبرد می نمایم (53)

بنابراین نماز اساس اسلام بوده و حتی جهاد نیز برای اقامه آن صورت می گیرد و نباید هیچ چیز مانع آن گردد حتی جنگ و مبارزه در راه خدا چنانچه ابن عباس در مورد حضرت علی - علیه السلام - می فرماید: «لَمْ يَتْرُكْ صَلَاةَ اللَّيْلِ قَطُّ حَتَّى فِي لَيْلَةِ الْهَرِيرِ (54)» هرگز حضرت نماز شب خود را حتی در ليله الهرير (56) ترک ننمود. و همانطور که می دانیم نماز شب ، نماز مستحبی است و هنگامیکه حضرت در چنین شرایطی مستحبات را فروگذار نمی کند اهمیت انجام فرایض در آن هنگام چندین برابر می شود.

۲- اقامه نماز در سفرهای مهاجرتی و پیکارگری

یکی دیگر از موضوعات شگفت انگیز در خصوص نماز در قرآن که سخت جلب توجه می کند و خواننده را به مطالعه بیشتر وا می دارد اقامه نماز در سفرهای مهاجرتی و پیکارگری است که بیم همه نوع خطر در آن می رود و این موضوع ، اهمیت ویژه ای به نماز می بخشد و انسان را به طرح این پرسش وامی دارد که: مگر چه حکمتی در تشریح نماز است که حتی در چنین هنگامه ای خطرناک نیز نباید آنرا ترک نمود. در صورتیکه همه گونه احتمال خطر و آسیب در آنها می رود؟ برای مهاجرین ، یعنی هر آنکس که از قلمرو شرارت شرک گرایان خارج گردد و از وطن خویش به خاطر عقیده و ایمانش بگذرد و به سرزمین اسلام هجرت کند (57) خطر بیدار و آگاه شدن دشمن ، شروع به تعقیب آنها نمودن و غافلگیر کردن آنان وجود دارد و برای آنهایی که به جهاد می روند خطر حمله ناگهانی دشمن یا شیبخون زدن به آنها ، با این همه با دقت در آیات زیر مشاهده می کنیم که در چنین شرایط خطرناک و خاصی هم ، باز ترک نماز جایز نیست بلکه آنچه در این سفرها مجاز شمرده می شود «گزاردن اقتصاری» آن است (58).

«وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مَرَاغماً كَثِيراً وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِراً إِلَى اللَّهِ وَسُؤْلِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفوراً رَحِيماً. وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِيناً وَإِذَا كُنْتُمْ مِنْهُمْ فَاقْصِرُوا مِنَ الصَّلَاةِ فَلْيَتَّقُوا طَائِفَهُ مِنْهُمْ مَعَكُمْ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكُمْ وَ... إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَاباً مُهِيناً.» (59) «وهرکس در راه خدا (از وطن خویش) هجرت کند در زمین (پهنای خدا) برای آسایش و گشایش امورش جایگاه بسیار خواهد یافت و هر گاه کسی از خانه خویش برای هجرت به سوی خدا و رسولش (و حفظ ایمان) بیرون آید و در سفر، مرگ وی را فرا رسد اجر و ثواب چنین کسی بر خداست و خدا پیوسته آمرزنده و مهربان است. و هنگامیکه در سفر باشید باکی برای شما نیست که نماز را کوتاه به جای آرید، هر گاه بیم آن داشته باشید که کافران شما را به رنج و هلاکت اندازند که دشمنی کفار نسبت به شما (مسلمین) کاملاً آشکار است. و هر گاه (در سفرهای جهادی) شخص تو (یا فرمانداران از طرف تو) در میان سپاه اسلامی باشی و نماز بر آنان به پای داری باید سپاهی با تو مسلح به نماز بایستد چون سجده نماز به جای آورند این سپاه برای حفاظت رفته و گروهی که نماز نخوانده اند به نماز بایستند.

البته با لباس جنگ و با اسلحه، زیرا کافران آرزو و انتظار دارند که شما از اسلحه و اسباب خود غفلت کنید که ناگهان یکباره به شما حمله آورند و چنانچه بارانی یا مرضی شما را از بر گرفتن سلاح به رنج اندازد باکی نیست اسلحه را فرو گذارید ولی البته از دشمن در حذر باشید (لیکن به وعده خدا مطمئن باشید) که خدا بر کافران عذاب خوارکننده مهیا ساخته است.» در شأن نزول این آیات گفته شده هنگامیکه پیامبر با عده ای از مسلمانان به عزم مکه به سرزمین حدیبیه وارد شدند، و جریان به گوش قریش رسید خالد بن ولید به سرپرستی یک گروه ۲۰۰ نفری برای جلوگیری از پیشروی مسلمانان به سوی مکه در کوههای نزدیک مکه مستقر شدند. هنگام ظهر، بلال اذان گفت و پیامبر - صلی الله علیه و آله - با مسلمانان، نماز ظهر را به جماعت ادا کردند، خالد از مشاهده این صحنه در فکر فرو رفت و به نفرات خود گفت: در موقع نماز عصر که در نظر آنها بسیار پر ارزش است، باید از فرصت استفاده کرد و با یک حمله برق آسا و غافلگیرانه در حال نماز کارشان را ساخت. در این هنگام آیه فوق نازل شد و برای پیشگیری از حمله دشمن دستور نماز خوف را به مسلمانان داد و این از موارد اعجاز قرآن است که پیش از اقدام دشمن، نقشه‌های آنان را نقش بر آب کرد و خالد بن ولید با مشاهده این صحنه ایمان آورد و مسلمان شد (60).

این آیات شریف به خوبی تکلیف و وظیفه مسلمانان را در سفرهای مهاجرتی و جهادی مشخص ساخته است ولی به آنان دستور ترک نماز به خاطر حفظ جان نداده بلکه دستور داده که در این گونه سفرها نماز را قصر و شکسته و در سفرهای جهادی، نماز خوف به جای آورند و در ادامه آیات می فرماید: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقَعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا.» «پس آنگاه که از نماز فراغت یافتید (خصوصاً در حال جنگ که از نماز کامل بازماندید) باز در همه احوال، ایستاده و نشسته و بر پهلو و هر حال که توانید خدا را یاد کنید سپس که از آسیب دشمن ایمن شدید در این حال نماز (کامل) به جا آرید که نماز برای اهل ایمان حکمی واجب و لازم است (61)»

برخی در تفسیر این آیه نظر دارند که منظور آیه این است که: هنگامی که بخواهید نماز بخوانید اگر از صحت و سلامت بهره‌مند هستید، نماز را ایستاده و اگر نمی‌تواند نشسته و اگر نمی‌تواند بر پهلو آرمیده بخوانید، چرا که از دیدگاه قرآن هیچ انسان عاقل و خردمندی نمی‌تواند نماز را ترک کند. و در مورد (فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ) دو نظر آمده است:

۱- به باور گروهی، منظور این است که: هنگامی که با از میان رفتن خطر آرامش خاطر یافتید نماز را به صورت تمام بخوانید.

۲- به باور گروهی دیگر: هنگامی که به وطن خویش رسیدید نماز را تمام بخوانید (62) این برنامه انسان ساز عبادی و روحی از آنچنان جایگاه بلندی برخوردار است که خدای جهان آفرین به هیچ عنوان اجازه ترک آن را نمی‌دهد و روشن می‌سازد که انسان توحیدگرا در هر حال و در هر شرایط، مطلوب یا نامطلوب، در اوج پیروزی و یا در خطر یورش دشمن، در اوج سلامت یا بیماری و رنج و ناتوانی، هنگام شادی یا اندوه، باید نماز را به پا دارد و به هر صورت ممکن با سرچشمه هستی به راز و نیاز پردازد، چرا که نماز یاد خداست و آرامش دهنده دلها و بنابراین، انسان همواره به این نیروی معنوی و این برنامه سازنده احتیاج دارد و بر همین اساس خدای فرزانه هم نماز خوف را مقرر داشته و هم خاطر نشان می‌سازد که در هر حال خدای را یاد کنند (63).

۳- پیگیری جنگ تا اقامه نماز

پاره‌ای از مکاتب و یا جهان‌گشایان و زورمندان در مسیر پیروزی، هدف خویش را قبضه قدرت و امکانات ملت‌ها و حکومت و فرمانروایی بر جامعه‌ها و گرفتن هستی و سرزمین دیگران قرار داده و به هر کجا پایشان رسید، همه چیز را به نام خود تغییر می‌دهند و به دست عوامل خویش سپرده (64) و در این راه از شکنجه و آزار و قتل عام مردم کوتاهی نمی‌کنند. اما هدف خداوند آنگونه که در قرآن مجید آمده، گسترش توحید، تقوا، عدالت، آزادی و کرامت و تضمین حقوق انسانهاست و نه اسارت دیگران و انحصار قدرت و امکانات آنان، چنانچه در سوره توبه آمده است که: «فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضُرُوهُمْ وَأَعِدُّوا لَهُمْ كُلَّ مَرَصِدٍ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (65)» پس از آنکه ماههای حرام (66) که (مدت امان است) درگذشت آنگاه مشرکان را هر جا بیابید به قتل برسانید و آنها را دستگیر و محاصره کنید و هر سو در کمین آنها باشید چنانچه (از شرک) توبه کرده و نماز اسلام را به پا داشته و زکات دادند پس از آنها دست بردارید که خدا آمرزنده و مهربان است.»

در ابتدای آیه خداوند با شدت ویژه‌ای فرمان به «یافتن» و «کشتن» و «دستگیر کردن»، «محاصره نمودن»، «در کمین نشستن» دشمن برای نابودی او می‌دهد اما تا کی؟ تا چه هنگام، ادامه آیه پاسخگوی سؤال می‌باشد یعنی اگر آنها قوانین اسلام، که در رأس آن نماز می‌باشد را پذیرفتند راهشان را باز گذاشته و دست از آنها بردارید (67) علامه طباطبایی (ره) در این باره می‌فرماید: مراد از توبه [در آیه فوق] رجوع از شرک به توحید است، به ایمان آوردن به خدا و رسول صلی الله علیه و آله و دلیل و حجت چنان رجوع و ایمانی اقامه نماز و التزام عملی به احکام در ارتباط با خالق و مخلوق می‌باشد (68)، بنابراین ذکر توبه کفایت نمی‌کند بلکه اقامه نماز (آشکارترین مظهر عبودیت) و ایتای زکات را به آن عطف می‌کند (69) تا ملاکی برای صدق گفتارشان باشد.

۴- اقامه نماز در رأس برنامه مؤمنان پس از پیروزی

برنامه‌ای را که مؤمنان پس از پیروزی بر کافران و تمکین (70) در زمین به یاری خدا پیدا کرده و جامعه آرمانی خود را بر اساس آن بنا نهاده و پی ریزی کرده‌اند باید در راستای قوانین و فرمانهای اسلام باشد، در آیه زیر به این برنامه اشاره شده و سرلوحه آن اقامه نماز می باشد که ارزش و اهمیت والای نماز را در میان سایر قوانین روشن می‌سازد: «الَّذِينَ إِذَا مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ اِقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (آنانکه خدا را یاری می‌کنند) آنهايي هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم نماز به پا می‌دارند و زکات به مستحق می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و (می‌دانند) که عاقبت کارها به دست خداست. در آیات قبل از این آیه، سخن از کسانی رفته است که به خاطر یکتاپرستی و توحید گرایی ناگزیر به هجرت شدند و خدا به آنان وعده فرموده که اگر آنان و هر کس دیگر در قرون و اعصار، دین خدا و راه و رسم عادلانه و انسانی او را یاری کند، خدا آنان را یاری خواهد کرد. و اینجا در وصف این مهاجرین حق طلب و یاری کنندگان دین خدا فرموده است: آنان کسانی هستند که اگر در زمین به آنان توانایی و امکانات ارزانی دادیم (71).

آنها هرگز پس از پیروزی، همچون خودکامگان و جباران به عیش و نوش و لهو و لعب نمی‌پردازند و در غرور و مستی فرو نمی‌روند بلکه پیروزیها و موفقیتها را نردبانی برای ساختن خویش و جامعه قرار می‌دهند، آنها پس از قدرت یافتن تبدیل به یک طاغوت جدید نمی‌شوند، ارتباطشان با خدا محکم و با خلق خدا نیز مستحکم است، زیرا نماز سمبل پیوند با خالق و زکات رمزی برای پیوند با خلق است (72) آنها به معروف که برای فطرت شناخته و مورد پسند و هماهنگ آن است امر کرده و از منکر که با فطرت بشری غریبه است نهی می‌کنند تا پایه‌های اساسی یک جامعه سالم و آرمانی شکل پذیرد.

نکته‌هایی جالب در خصوص نماز

نماز، تسبیح خداوند است که موجب نزدیکی روحی و معنوی بنده با پروردگار می‌شود، اما آیا می‌دانید حالات مختلف در نماز خواندن می‌تواند انرژی‌های منفی و معیوب را به انرژی‌های روحانی و مثبت تبدیل کند؛ با خواندن مطلب زیر از این شکر خداوندی آگاه می‌شوید. ایستادن: این حالت موجب تبادل انرژی با زمین از طریق چاکرای کف پاها و گرفتن انرژی معنوی از چاکرای سر می‌شود.

رکوع: در این حالت تبادل انرژی بالا تنه با پایین تنه از طریق چاکرای کف دست ها و چاکرای روی زانو ها انجام می گیرد. سجده: تبادل انرژی های منفی با زمین از هفت منطقه ی چاکرای پیشانی، زانو ها، کف دست ها و روی پاها و گرفتن انرژی مثبت زمین از طریق این چاکراها صورت می پذیرد. در حالت سجده، انرژی زمین، احساس شادی، رضایت، امید و میل به ادامه ی حیات را ایجاد می کند و چاکرای پیشانی که مرکز استدلال و منطق است، متعادل می شود.

همچنین با تحقیق بر روی یکی از ورزش های «یوگا» که بسیار شبیه به حالت سجده است، نشان داده که سجده می تواند: موجب بالا رفتن سطح منطق و استدلال می شود. (به علت فعال شدن چاکرای چشم سوم) چاکرای آجنا (وسط پیشانی) و روشن بینی و اشراق فعال می شود. سطح آگاهی و کنترل انرژی های روانی (به دلیل فعال کردن چاکرای چشم سوم و آجنا) را افزایش میدهد. باعث کشیدگی ماهیچه های پشت و آسودگی ماهیچه های کمر و اتصال بین مهره ها می شود.

به رها شدن دیسک های ستون فقرات و به حالت طبیعی درآمدن مهره ها کمک می کند. باعث آرامش اعصاب سمپاتیک، تنظیم غده ی آدرنال و تسکین و کاهش دهنده ی خشم می شود. به علت فشار به معده و فعال کردن چاکرای خورشیدی، دافع یبوست است.

معالجه بیماری «سیاتیک» است. موجب تعادل بیش تر انرژی های منفی بدن با انرژی های مثبت زمین از طریق چاکراهای کف دست ها و روی پاها می شود. نشسته: در این حالت تبادل انرژی با زمین از طریق چاکرای پاها و زانو ها و انرژی روحانی از چاکرای تاجی یا سر گرفته می شود. در حالت نشسته، دست ها روی پاهاست تا انرژی بالاتنه و پایین تنه با هم تبادل شده و گردش انرژی متعادل باشد. قنوت: در قنوت، تبادل انرژی از طریق کف دست ها اتفاق می افتد و با گرفتن دست ها در مقابل صورت، برگشت انرژی درمان گر به کمک صورت ایجاد می شود. از نظر علمی نیز ثابت شده که میزان انرژی حیاتی، قبل و بعد از طلوع و غروب خورشید بیشتر است، برای همین سفارش به نماز اول وقت می شود. نماز، دعا و عبادت جمعی قدرت بسیاری دارد، زیرا انرژی جمعی ایجاد می کند. به همین دلیل در اسلام، نماز جمعی، سفارش شده است. در اسلام نماز وحشت سفارش شده است. امروزه نیز از نظر علمی، ثابت شده که در زمان خورشید گرفتگی و طوفان های خورشیدی، بیماری های روانی شدت می گیرند و میزان انرژی های منفی آزاد شده طی زلزله، طوفان و سیل افزایش می یابد. بنابراین با خواندن نماز وحشت در زمان ماه گرفتگی و یا خورشید گرفتگی، بروز سیل، زلزله، طوفان و دیگر بلاها با انرژی نماز و عبادت که نوعی انرژی الهی است، می توان بر انرژی های منفی ماه گرفتگی و خورشید گرفتگی غلبه کرد.

نتیجه گیری :

نماز در قرآن بیش از هر عبادتی تکرار شده به طوری که بیش از ۱۰۲ مرتبه در مورد وجوب، احکام و آثار آن سخن به میان آمده و این نشانگر درجه اهمیت نماز می باشد. ریشه واژه فارسی نماز از لفظ پهلوی «نماک» گرفته شده و «نم» به معنی «خم شدن و تعظیم کردن» است و نیز دارای معانی مختلفی چون خدمتکاری، پرستش و ادای اطاعت ایزد تعالی و طهارت می باشد و ریشه واژه عربی آن یعنی «صلوة» عبری است و تاپیش از اسلام به معانی نیایش و دعا به کار رفته است و در اشتقاق معنوی آن اختلاف نظر وجود دارد و به معانی تبریک و تمجید، دعا، انعطاف پذیری، پیوستن، بزرگداشت، زیارت و رحمت استعمال شده است. در اکثر مواضع سخن از نماز، لفظ اقامه به کار رفته به جز مواردی که موضوع مربوط به شخصیت پیامبر (ص) بوده و دو مورد دیگر نیز بردوام و محافظت بر نماز تأکید شده است، و اقامه را می توان به معنای دوام بخشیدن، تنظیم و تکمیل نماز جماعت، حق نماز را ادا کردن و... دانست و در این باره جان و روح نماز را همانا توجه تام به خدا و با اخلاص کامل خود را در پیشگاه با عظمت او دیدن و با خضوع و خشوع بودن و معانی باطنی نماز یعنی حضور قلب و تفهیم و تعظیم و هیبت و رجا و حیا را رعایت نمودن است. بنابراین چه گفته شد چنین نمازی اثرگذار و منتج خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. خزائلی، محمد، احکام قرآن، تهران: انتشارات عادل، ص ۳۳۸.
۲. راشدی، حسن، نماز شناسی، ج ۱، ص ۶۵.
۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۱۴، ص ۲۲۷۳۱.
۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ج ۴.
۶. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، و حسینعلی وکیلی، فرهنگ فارسی، ص ۶۳۷.
۷. دهخدا.
۸. عمید.
۱۰. حسن راشدی، همان، ص ۶۷.
۱۱. دهخدا.
۱۲. همان.
۱۳. خزائلی، محمد، ص ۳۸.
۱۴. سوره حج آیه ۴۰.
۱۵. خزائلی.
۱۶. جمعی از مولفین، المعجم الوسیط، ج ۱، ص ۵۲۲، و محمد بندرریگی، فرهنگ بندرریگی.
۱۷. راشدی.
۱۸. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۲۹۳.
۱۹. «صلی العصا بالنار وعلیها، عصا را بر آتش گردانید تا برای راست کردن نرم شود». خلیل جر، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طیبیان، ج ۲، ص ۱۳۲۹.
۲۰. ملکی تبریزی، جواد، اسرار الصلوٰة، ترجمه رضارجب زاده، ص ۱۱۵.

۲۱. راشدی.
۲۲. ملکی تبریزی.
۲۳. راشدی.
۲۴. ملکی تبریزی.
۲۵. راشدی، همان، ص ۷۵، ومیرزا جواد ملکی تبریزی همان، و محمدبندرریگی، همان. ج ۲، ص ۱۲۵۷.
۲۶. سوره احزاب آیه ۵۷.
۲۸. سوره کوثر آیه ۲.
۲۹. سوره الماعون آیه ۴ و ۵.
۳۰. سوره انفال آیه ۳۵.
۳۱. سوره معارج (۷۰) آیات ۲۲ و ۲۳ و سوره مؤمنون (۲۳) آیه ۲.
۳۲. رضوانطلب، محمد رضا، پرستش آگاهانه، ص ۷۶.
۳۳. سید علوی، سید ابراهیم، نماز در قرآن، ص ۲۰.
۳۴. فضل ابن حسن طبرسی، مجمع البیان، علی کرمی، ج ۱، ص ۱۰۰.
۳۵. سید علوی.
۳۶. شفیعیان، محمد جواد، همان، ص ۲۱ و ۲۲.
۳۷. «یعنی به تمام کردن رکوع و سجود و نیکو به جا آوردن آن و حفظ اوقات و حدود نماز و حفظ آن از آنچه نماز را فاسد یا ناقص می نماید.» سید عبدالله شبیر، تفسیر القرآن الکریم ص ۴۰ و محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲ ص ۱۹.
۳۸. راغب اصفهانی.
۳۹. خامنه ای، سید علی، از ژرفای نماز، ص ۱۵.
۴۰. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، ج ۱ و ۲، ص ۱۳۳.

۴۱. حدیث از امیرالمؤمنین (ع) می باشد.
۴۲. میبیدی، رشیدالدین، کشف الاسرار، ج ۱، ص ۳۴ و ۳۵.
۴۳. وحیدی، محمد، دانستنی های لازم از نماز، ص ۱۱۳.
۴۴. عزیزی، عباس، سلامت روح، ص ۷۵.
۴۵. وحیدی.
۴۶. کاشانی، علی آقا نجفی، برداشتی از نماز، ص ۲۳.
۴۷. ملا احمدنراقی، معراج السعاده، ص ۶۹۴.
۴۸. شفیعیان، محمدجواد، نماز عصیانی علیه شرک، ص ۱۷-۱۶.
۴۹. علاء الدین حجازی، فرهنگ نماز، ص ۱۵۴.
50. حسن بن محمد دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱ و ۲، ص ۲۱۷.
51. سید حسین موسوی راد لاهیجی، نماز از دیدگاه قرآن و حدیث، ص ۱۹ و ۲۰.
52. حسن محمد دیلمی، همان و محمدباقر مجلسی، بحار، ج ۸۳، ص ۲۳، ح ۴۳.
53. سید حسین موسوی رادلاهیجی.
54. حسن بن محمد دیلمی، همان، محمدباقر مجلسی، همان.
55. خاتمه جنگ صفین جنگ لیلۃ الهزیر بود که شب جمعه ۱۱ ماه صفر سنه ۳۸ هجری می باشد، گویا به مناسبت وضعیت دهشتناک جنگ و هلهله دلاوران این نام بروی اطلاق شده چون هریر صدای سگ را گویند و در آن شب سپاه شام از شدت سرما مانند سگ صدا می کردند، به علاوه چون دولشکر به پیروزی و فتح خود امیدوار بودند میل نداشتند که جنگ را در شب متارکه کنند و به مناسبت شدت هول و هراس و کشته شدن بسیاری از مردم آنرا با شب قادسیه همانند می کنند.
56. محمد هاشم خراسانی، منتخب التواریخ، ص ۱۶۳.
57. فضل بن حسن طبرسی مجمع البیان، ج ۳، جزء ۵ و ۶، ص ۲۹۴.

58. محمد جواد شفیعیان، نماز عصیانی علیه شرک، ص ۲۷.
59. سوره نساء، آیه ۱۰۰ تا ۱۰۲.
60. حسن راشدی، نماز شناسی، ج ۱، ص ۱۹۷، و در تفسیر مجمع البیان این جنگ را در منطقه عسفان و ضجنان دانسته است. طبرسی، همان، ج ۳، جزء ۵ و ۶، ص ۳۰۴.
61. سوره نساء آیه ۱۰۳.
62. فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۳، ص ۳۰۷.
63. فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۳، ص ۳۱۱.
64. همان، ص ۴۹۴.
65. سوره توبه آیه ۵.
66. ماههای حرام چهار ماه ذیقعه، ذیحجه، محرم و صفر می باشد.
67. محمد جواد شفیعیان، همان، ص ۳۰.
68. محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۷، ص ۲۳۹.
69. همان، ص ۲۴۷.
70. تمکین یعنی قدرت بخشیدن و ابزار و امکانات در اختیار کسی قرار دادن و او را بر انجام کاری هنمون دادن.
71. طبرسی، همان، ج ۹، جزء ۱۸ و ۱۷، ص ۲۹۸.
72. عباس عزیزی، سلامت روح، ص ۶۳.